

# پیرایه‌ها و آمادگی‌ها از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند، تشکیل گردد

با توجه به اوضاع فوق‌العاده حساس و بغرنج کشور، نامه «مردم» در مصاحبه‌ای با رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول

کمیته مرکزی حزب توده ایران، پرسشهایی را مطرح ساخت. پاسخهای رفیق کیانوری، که روشن‌کننده علل بروز پدیده

های بحرانی در جامعه ما و راههای بیرون رفت از بحران است، در صفحه ۷ این شماره به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۵  
پنجشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵۰۱ ریال

مقابل توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران چه باید کرد؟  
صفحه ۸

## امام خمینی: نه اینست که من از هر کس معمم است، از او پشتیبانی می‌کنم

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، طی سخنانی در برابر جمعی از پرسنل زاندارمری اسلامی ایران، باردیگر اعلام داشتند که: «من آنچه که در بسیاری از صحبت‌هایم از روحانیون بحث می‌کنم، نه اینست که من هر کس معمم است از او پشتیبانی نمی‌کنم. ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد.»

امام خمینی در این سخنان همچنین درباره نیروهای انتظامی در زمان رژیم شاه سابق گفتند: «در آنوقت یک ارتش درست کردند و یک ژاندارمری درست کردند و یک ژاندارمری درست کردند، که تفرقه‌های آنها در ذائقه ملت ما بود.»

امام خمینی در این سخنان همچنین در این مملکت را حفظ کند، اینها برای حفاظت ملت و مملکت آمده‌اند، برای پاسداری از مملکت خودشان مشکل شده‌اند، باید اینها توجه به این معادله داشته باشند، که همه این قوای مسلحه باید در خدمت مردم باشند.»

## انتشار اخبار جعلی درباره حزب توده ایران بسود انقلاب نیست

خبرها در ارتباط با مطرح شدن مسئله فعالیت احزاب و گروههای سیاسی، جریانی ظهور کرده، که قابل توجه است. جریان اینست که محافل معنی میکوشند حزب توده ایران را در ردیف گروههای ضدانقلابی و یاسازمانهای منحرف قرار دهند و بدینوسیله درازمان مردم میان حزب توده ایران و سازمانهای ضدانقلابی دریا منحرف علامت تساوی بگذارند و یساحداً یک وجه تشابه ایجاد کنند. میکوشند نام حزب توده ایران را در سیاه‌پلویاگران و آشوبسازان و گروههای ضدانقلابی از قبیل کومله و بیگار و آفاریست‌ها و مائویست‌ها قرار دهند. برای ما «خانه تیمی» کشف میکنند. یساعلامیه دروغین و موهوم ضد - جمهوری اسلامی ایران نسبت میدهند.

ما امیدواریم که این عمل و حرکت نادرست و غیر عادلانه و زین‌آور ناشی از اشتباه، ناآگاهی و تصورات واهی باشد، زیرا که هیچ‌آدم با انصافی سیاه و سفید را در یک کفه ترازو قرار نمیدهد و هیچ میسر نیست و انقلابی عاقلی بر درست سبسی و متحدفداکار خود برجسب دشمن نمی‌زند و بزور او را از خود نمی‌رانند. در این حال می‌توان احتمال داد که در برجسبزی به حزب توده ایران و ایجاد زمینه و بهانه و دلیل و سند برای این برجسبزی، ضد انقلاب هم دست داشته باشند. شاید هم کسانی از محافل انحصارطلب، که اظهارات مقامات پارلمانی و حکومتی و دولتی را درباره لزوم رعایت آزادی احزاب در چارچوب قانون اساسی شنیده‌اند و میدانند که مسئله مطرح است، از هم اکنون برای حزب توده ایران پرونده‌سازی میکنند تا آنرا در ردیف گروههای توطئه‌گر، قلمداد نمایند، و اگر توانستند، در راه فعالیت آزاد حزب ممانع جدیدی بوجود بیاورند.

بهر حال این حرکت، چه دانسته و چه ندانسته، حرکت نادرست، خلاف عدالت و انصاف و مسخر از همه متضاد با منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانست. شاید بگویند فلان روزنامه اشتباه کرده‌است و یافلان منبع راسته کرده‌اند. ولی ما تاکنون حتی یکبار ندیده‌ایم که علیرغم تصریحات نامه «مردم» در تکذیب اخبار دروغ درباره حزب توده ایران، حتی یکبار اشتباه خود را تصحیح بکنند و یا تکذیب روزنامه ارگان مرکزی حزب توده ایران در مورد جعلیات و اکاذیب منتسبه به حزب ما را منتشر سازند. در صورتی که هم‌اکنون عدالت‌ووجدان و هم‌قانون مطبوعات و راه ورسم روزنامه‌نگاری انقلابی چنین حکم میکند. ما ضرور میدانیم که باصراحت

**در صفحات بعد**

**شناخت دوستان واقعی انقلاب، جبهه پیکار علیه دشمنان انقلاب را تقویت می‌کند**  
صفحه ۲

**بمناسبت «هفته همبستگی با خلق شیلی» (شهریور ۱۸ - ۱۳)**  
صفحه ۲

**«سازمان وحدت آفریقا» را بشناسیم**  
صفحه ۶

**حزب طبقه کارگر لهستان نیروی محرک اصلی در کار ساختمان سوسیالیسم بوده و هست و خواهد بود**  
صفحه ۴

**گزارشی از کوره‌پزخانه‌های خوزستان: اردوی کار و محرومیت**  
صفحه ۴

**در روستای کجوری (۱۲۰ کیلومتری شیراز) هنوز بزرگ‌مالکان فرمان می‌دهند**  
صفحه ۵

## درنامه مجلس شورای اسلامی ایران به نمایندگان کنگره امریکا: امپریالیسم امریکا باز هم محکوم شد

نامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران، در پاسخ نامه ۱۸۰ تن از نمایندگان کنگره امریکا، پس از طرح در جلسه علنی مجلس، برای پارهای اصلاحات به کمیسیون خارجه مجلس فرستاده شد.

این نامه، که با تازبات روح انقلاب ضد امپریالیستی ایران است، آنچنانکه شایسته مجلس ایران انقلابی است، امپریالیسم غارتگر آمریکا را بعنوان دشمن شماره یک ایران بروی صندلی اتهام نشاند و با سیری در تاریخ تجاوزات، مداخلات و جنایات آمریکا در ایران، بدرستی ماهیت آن را عریان ساخته است.

ما خلاصه‌ای از این نامه را منتشر ساختیم و اینک ضمن درج مهمترین نکات این نامه، امیدواریم نامه یا همین روح - نامه یک خلق قهرمان به دشمن اصلی خلقهای جهان - و یا همین ماهیت - خطابه‌ای نسبت به یک متهم فرومایه - در مجلس شورای اسلامی ایران تصویب و برای نمایندگان کنگره آمریکا فرستاده شود:

«در طی دوران جنگ بین‌المللی دوم و بعد از آن دولت آمریکا بعنوان یک نیروی تازه نفس مقدمات جایگزینی قدرتهای استعماری پستی از خود را در کشور ما با طرحهای سلطه‌جویانه تقییب کرد. کاری که با عوازی حق و عدالت و انسانیت و حقوق بشر و دانیه آزادیخواهی آمریکا که دهها سال در سطح جهان بدان شهرت یافته بود قابل انطباق نبود.

پس از جنگ جهانی دوم ملت ما فرسوده از حضور نیروهای اشغالگر و دخالتهای بی‌حساب قدرت‌های یگانه برای کسب آزادی و استقلال و پایان دادن به سلطه اجانب و مخصوصاً دخالت‌های استعمار انگلیس همانند سایر ملل مستضعف جهان مبارزه خود را آغاز کرد و در جهت نیل به چنین اهداف و آرمانهایی با ولت‌های دست‌نشانده اجنبی‌خصوصاً شاه و دربارش که مرکز تمامی توطئه‌های ضد ملی و ضد اسلامی و وسیله اجرای سیاست‌های خارجی بود به جنگ و ستیز درآمد ما در این صحنه نبرد میان حق و باطل دولت آمریکا

نه تنها در کنار باطل علیه ملت ایران قرار گرفت بلکه خود بعنوان یک شیطان بزرگ مرکز و محور تمامی توطئه‌ها علیه ملت ایران شد و با تمام نیرو به پشتیبانی و حمایت از کثیف‌ترین عناصر علیه ملت ایران پرداخت دولت شما با حمایت از شاه و دربار پهلوی و کنترل ارتش تفتی همانند بریتانیا در کشور ما در پیش گرفت و بدخالت‌های واضح و آشکار در شئون داخلی ایران مبادرت ورزید.

اوج دخالت‌های ناروای آمریکا در ایران در ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ مطابق با ۲۵ اوت ۱۹۵۴ وقوع پیوست دولت آمریکا با طرح و اجرای کودتای ننگین و خنثانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ حکومت قانونی دکتر مصدق را که متکی به رای اراده ملت ایران بود سرنگون ساخته و شاه چایکنار را که از ترس انتقام ملت به خارج از کشور فرار کرده بود به ایران بازگرداند و یک رژیم کودتایی را بر ما تحمیل کرد دخالت واضح و صریح آمریکا در ایران و تحمیل رژیم ننگین شاه نه تنها تقض آشکار تمامی قوانین و مقررات بین‌المللی که تقض قوانین و مقررات خود آمریکا نیز بود قوانین آمریکا هرگز به دولت‌های شما و سازمان سیا اجازه نمیدهد که در امور داخلی هیچ کشوری دخالت نمایند. نیازی نمی‌بینیم که مدارک و اسناد شرکت مستقیم آمریکا را در کودتای ۲۸ مرداد ۳۳ که مهمترین آنها نزد خود شما است برای شما بازگو کنیم. همیشه این دولت آمریکا بوده است که قوانین بین‌المللی را تقض کرده و زیر پا گذاشته است. نه تنها در ایران بلکه در سایر نقاط جهان نظیر شیلی - ونزوئلا - اندونزی یا مصر و فلسطین و دیگر کشورها، بگذارید مردم آمریکا بدانند که مقامات رسمی دولت آنها چه جنایاتی را در ایران مرتکب شده‌اند و بدانند چرا ملت ایران مصراانه میخواهد که این جنایات عظیم بررسی و عاملین آن معرفی شود.

بوجود اقرار و اعترافات مقامات رسمی آمریکا طراحی و گردانندگی آمریکا در کودتای ننگین و یسرمانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ و تحمیل رژیم شاه فاسد بقیه در صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# بمناسبت «هفته همبستگی باحلی نیلی» (۱۸-۱۳ شهریور)

نیروهای مترقی و دمکراتیک جهان هر ساله روزهای ۱۳-۱۸ شهریور را بعنوان «هفته همبستگی با خلق نیلی» بزرگ میدارند.

ده سال پیش، در روز ۱۳ شهریور ۱۳۴۹، «اونیداد پوپولار» مرکب از مهم‌ترین احزاب و گروه‌های سیاسی ضد امپریالیست و دمکراتیک نیلی (از جمله حزب سوسیالیست نیلی و حزب کمونیست نیلی) و به رهبری سالوادور آلینده، در انتخابات همگانی اکثریت آراء را بدست آورد و زمام امور را بدست گرفت.

سه سال بعد، در روز ۲۰ شهریور ۱۳۵۲، «سیاه بکمک ایادی خود کودتای خونین را در نیلی برآوردند و پس از سرنگون کردن حکومت قانونی آلینده، خونتای نظامی ددمنشی را بر سر کردی پیونوشه بر سر کار آورد. کودتای «سیاه» ساخته نیلی موجب بیسابقه از آدمکشی را در پی داشت. حدسی زده میشود که در مرحله نخستین ترور آشکار در نیلی، حداقل سی هزار امین پرست آن کشور بدست دژخیمان پیونوشه بهلاکت رسیدند.

چنانچه رژیم کودتا خشم گسترده مردم سراسر جهان را برانگیخت. جهانیان به اعتراض وسیع علیه زمامداران جدید نیلی و اربابان آمریکایی آنها برخاستند و استقرار آزادیهای دمکراتیک و رعایت حقوق بشر را در نیلی خواستار شدند.

داروسته پیونوشه، پس از آنکه بادست یازی به همه گونه قهردهستانگیز، حاکمیت منحوس خویش را بر خلق ستمدیده نیلی تحمیل کرد، برای فریب افکار عمومی جهان، سرکوبگری خویش را به اشکالی نهفته تر و ظریف تر ادامه داد. با این همه، رژیم نیلی، که فرآورد خوشونت بارترین نقض حاکمیت خلق بود و جز انحصارگران آمریکا و پتاکون نیستان در میان توده مردم تکیه گاهی نداشت، ویژگی‌های ذاتی خود، یعنی بازداشت خودسرانه، بدرفتاری، شکنجه، قتل و آدم‌ربایی را حفظ کرد. بسخن دیگر، ترور و اختناق به نهاد بنیادی رژیم مبدل گشت.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در قطعنامه ۳۳۱۷۵ آر ۳ خود، در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۵۷، برای چندمین بار «انزجار گمگان خود را از نقض مداوم حقوق بشر در نیلی» ابراز داشت. این قطعنامه از مقامات نیلی خواست که بیدرتک به استقرار و تضمین آزادیهای بنیادی بپردازند و موافقت نامه‌های بین المللی را، که نیلی نیز با امضای خود، خویش

را بر عایت آنها متعهد ساخته است، محترم شمردند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد گروهی ویژه را مامور کرد که به بررسی حقوق بشر در نیلی بپردازد و در این باره به اجلاسیه بعد «مجمع» گزارش دهد، اما چنانکه گزارش گروه ویژه به مجمع عمومی در این سال گذشته، قطعنامه ۴۳۰۵۸ رأی دهمیت سوم مجمع عمومی سازمان ملل در دیماه ۱۳۵۸ و بویژه تحولات داخلی نیلی در ماههای پیش نشان میدهد، رژیم وابسته و خون‌آشام نیلی با ادامه، و در بسیاری موارد، تشدید اختناق و ترور، بار دیگر بی‌اعتنائی گستاخانه خود را نسبت به افکار عمومی نیلی و جهان بشودت میرساند.

از سوی دیگر، پایای گسترش اختناق، ایستادگی دلارانه مردم نیلی نیز در برابر خودکامی‌های اسارت‌بار خونتای نظامی ایجاد جدیدی می‌یابد. یکی از ویژگی‌های سمرت بخش جنبش مقاومت نیلی آنست که، نیروهای ضدفاشیستی آن کشور هرچه بیشتر به ضرورت اتحاد در مبارزه برای سرنگونی پیونوشه و داروسته تبه‌کارش وقوف می‌یابند.

در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸، جشن جهانی کارگران بزرگترین تظاهرات ضدفاشیستی از کودتای ۱۳۵۲ تا به آن هنگام، در سانتیاگو برگزار شد. چندی بعد، زحمتکشان نیلی به اعتراض گسترده علیه باسصلاح «طرح کار» رژیم، که هدفش ایجاد نفاق در جنبش سندیکایی و تشدید استثمار کارگران بود، دست زدند. در روز ۲۶ مرداد ۱۳۵۸ کمیته‌ای برای دفاع از حقوق سندیکایی تشکیل شد، که همه محافل دمکراتیک جنبش اتحادیه‌های کارگری نیلی در آن شرکت دارند.

کارگران نیلی، علیرغم محدودیت‌های سهمگینی که «طرح کار» برای آنها فراهم آورده است، برای پیشبرد حقوق حقه خود بارها به اعتصاب پرداخته‌اند. برای نمونه، میتوان در این زمینه به اعتصاب وسیع مس کاران در آل‌تینته اشاره کرد.

مبارزه بازمندگان «گمشدگان» نیز در سال‌های گذشته در نیلی بس گسترش یافت. در پائیز ۱۳۵۸ گروه کثیری از آنها با اعتصاب غذای خود، پیونوشه جلاد را وادار ساختند، تا واگذاری اجساد «دونکون» را به خانواده‌ها ایشان متعهد شود و پس از آنکه وی به قول خود عمل نکرد، هزاران نفر در خیابانهای پایتخت علیه او به

تظاهرات پرداختند. چندی پیش نیز کشف قبری حاوی اجساد ۱۹ گم‌شده، در شهرک لاخا تظاهرات شوکه‌مند پانزده هزار ضدفاشیست را در پی داشت. جنبش مقاومت ضد رژیم اینک دانشگاه‌های نیلی را نیز دربر گرفته است. دانشجویان نیلی در دوران گذشته بارها برای استقرار رعایت موازین دمکراسی در دانشگاه، به تظاهرات مباردت ورزیده‌اند، بسیاری از روشنفکران و هنرمندان نیلی هم‌بانگ خود را علیه خودکامی‌های پیونوشه و اعوان و انصارش بلند کرده‌اند.

حتی قشرهایی از مردم فریب‌خورده نیز، که در زمان آلینده آلت تحریک ضدانقلاب قرار گرفته بودند و بعدها نیز از کودتا استقبال کردند، اکنون به مبارزه علیه رژیم کشیده شده‌اند. در این زمینه، میتوان برای نمونه از اعتراضات کامیون‌رانان، کسبه، یزشکان و تاکسی‌رانان نام برد. چندماه پیش سه هزار زن در خیابانهای سانتیاگو با دیگ‌های خالی علیه وضع توافرسای اقتصادی اعتراض کردند. پیش‌بینی میشود که بیش از ۱۵ درصد زحمتکشان نیلی بی‌کارند. از سوی دیگر قدرت خرید مردم، بسبب کاهش چشمگیر درآمد واقعی‌شان، بس تقلیل یافته است.

«اونیداد پوپولار» باردیگر فعالیت رزمنده خود را در سراسر نیلی گسترش بخشیده است و با تشکیل میتینگها و تظاهرات گوناگون، پیکار مردم نیلی را برای برچیدن بساط ظلم و فساد پیونوشه و شرکا بس پیش رهنری میکند. خونتای نیلی برخاش گسترده مردم نیلی را با قدرت‌نمایی سرکوبگرانه پاسخ میدهد و میکوشد تا مخالفان خود را با توقیف و شکنجه و قتل خفه سازد. چندی پیش بیش از صد استاد دانشگاه از کاربردکنار و صدها دانشجوی مبارز از دانشگاهها اخراج شدند. در تظاهرات «روز بین المللی زن» و «جنبش اول ماه مه» امسال، که علیرغم تجمیدات رژیم، با شکوه بی‌نظیر در سراسر نیلی برپا گشت، صدها نفر توقیف، مجروح و حتی کشته شدند.

در روزهای نخستین سال جاری، پیونوشه خواست تا با سفر خود به فیجی و فیلیپین، برای خویش «وجه بین المللی» کسب کند. این سفر، که قرار بود سیزده روز طول بکشد، با آبروریزی مقتضاحانه دیکتاتور پس از یکروز پایان یافت. پیونوشه در فرودگاه فیجی با «استقبال» چهارهزار نفر، که تخم‌مرغ و تاپاله بر وی او پرتاب می-

## حزب طبقه کارگر لهستان، نیروی محرک اصلی در کار ساختمان سوسیالیسم بوده و هست و خواهد بود

بموجب اطلاعات منتشره در ورشو، از شمار امتصایت هم‌در سواحل و هم بطور کلی در سراسر کشور بهر آنکه گسترده شده است، در شهرها و منجمله در گدانسک کارخانه کشتی‌سازی واحدهای صنعتی شروع بکسار کردند. در مطبوعات لهستان مقالاتی منتشر شده که در آنها از وظایفی که در اوضاع پیش آمده کنونی در برابر کنور قرار گرفته، صحبت میشود. روزنامه تریبون اولادو، ارگان کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، خاطر نشان میکند که با وجود دشواریها و اشتباهات، حزب نیروی محرک اصلی در کسار ساختمان سوسیالیسم بوده و هست و خواهد بود.

حزب متحد کارگری لهستان، حزب طبقه کارگر و کلیه قشرهای حرفه‌ای و اجتماعی و نماینده قشرهای مختلف اجتماعی و نسلهای مختلف مردم این کشور است.

این روزنامه متذکر میشود که، متاسفانه تمام آنچه که پس از کنگره هشتم حزب متحد کارگری لهستان، از کمیته مرکزی گرفته تا پائین‌ترین سازمانهای حزبی انجام دادند، بعلل زیادی برای بر طرف ساختن مشکلات موجود و اشتباهات و نواقص کار، در درجه اول در رشته‌های اقتصادی و اجتماعی، کافی نبوده است. این روزنامه سپس متذکر می‌شود که، نیروهای داخلی مخالف ترقی و پیشرفت سوسیالیستی لهستان و نیروهای ضد سوسیالیستی خارجی بچای خود از بهران کنونی پشیمان محیط مناسب و پرورشگاه برای اقدامات ضد لهستانی و حمله به سوسیالیسم و نقش رهبری حزب در زندگی لهستان استفاده میکنند.

این روزنامه سپس مینویسد: ساده‌لوحی است هر گاه نمی‌دیدیم که این گونه اشخاص استناد دارند در مبارزه سیاسی با واقعیت از هر گونه وسیله و بهانه و شیوه استفاده کنند و استفاده خواهد کرد، و کمونیستهای لهستان باید برای مقابله با آنان آماده باشند. خبرگزاری لهستانی، تاپ، نیز نرسیری منتشر کرد که در آن گفته میشود، محافل امپریالیستی از دشواریهایی که در امور کشور پدیدار شده، استفاده میکنند و نمی‌خواهند بگذارند که این مشکلات بطرز مثبت حل و فصل شود، زیرا حل و فصل مثبت این مشکلات فقط بسراساس اصول حقوقی و قواعد سوسیالیستی امکان پذیر است. ولی ما بقلو خرد دسته‌جمعی و نمربخشی طبقه کارگر لهستان و به شعور عالی طبقاتی او و درک نقش خویش در دفاع از منافع کشور ایمان داریم. متکران عملیات ضد سوسیالیستی و ضد لهستانی شعارها و خواستهای عوام فریبانه‌ای بهر آن میکشند. اشخاصی از کشورهای غربی، که بسیاری از آنها لغزات ضد سوسیالیستی خود را پنهان نمیسازند، برای دیدار وارد جمهوری خلق لهستان میشوند. نمایندگان مطبوعات ارتجاعی کشورهای غربی روز بروز بیشتر از لهستان دیدن میکنند. آنها اطلاعاتی در خارج از کشور پخش میکنند که از آنها با کمال میل برای عملیات تخریبی علیه نظام سوسیالیستی لهستان استفاده میشود. «مطبوعات لهستان به این نکته اشاره میکنند که در همان حال که حزب، زحمتکشان این کشور را به فعالیت در راه رفع مشکلات اجتماعی، اقتصادی و بکار انداختن کارخانه‌ها و سر و سامان دادن سیستم تامین اهالی از لحاظ

کالاهای ضروری و امور حمل و نقل ذنوت میکند، مبلغان غرب ظاهرا برای اجرای مقاصد مفسده جویانه خود این ادعا را مطرح می‌سازند که گویا در لهستان شرایط لازم برای باصلاح روند لیبرالیزاسیون وجود دارد. این ادعا مفهوم معنی دارد و هدفی بر معنی کردن ارزشیابی طبقاتی رویدادهای کنونی و تلقین تصویری است که درباره حقوق و آزادیها در غرب رایج است. در این زمینه به بیانات کارتر عطف توجه میشود که طی آن از سیر حوادث لهستان ابراز وجد و رضایت کرده است. در این اظهار نظر تصور کنایی کارتر درباره حقوق بشر نیز منعکس است. ریگان که مدعی دیگر ریاست جمهوری است، نظر خود را از این هم صریحتر بیان

### تصحیح

در لیست سندیکاها و نمایندگان استان کرمان، که در نامه مردم، مورخ ۲۹ فروردین درج شده بود، اشتباهاتی رخ داده، که با درج مجدد این لیست، تصحیح میگردد.

- سندیکای شهرداری کرمان
- سندیکای معادن اسفندگه و آبدشت
- سندیکای شرکت ملی نفت ناحیه کرمان
- سندیکای سازمان آب کرمان
- سندیکای کارگران کوی ذوب آهن کرمان
- سندیکای کارگران کارخانه قند بردسیر
- سندیکای کارگران پسی کولای کرمان
- سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی کرمان
- سندیکای آب و برق منطقه‌ای کرمان
- نماینده کارگران برقی منطقه‌ای رفسنجان
- نماینده کارگران شهرداری رفسنجان
- نماینده کارگران صنایع پلاستیک
- نماینده کارگران برقی «منطقه‌ای میرجان
- نماینده کارگران شهرداری سیرجان
- نماینده کارگران ساختمانی
- نماینده کارگران مانا
- نماینده کارگران گسترش مسکن
- نماینده کارگران شرکت خوراک کرمان



دوشنبه هر هفته مسابقات مشت‌زنی برگزار میشود

### مشکل ساکنان محله قبله (شیراز) را حل کنید

محله قبله یکی از مناطق مستضعف نشین شیراز است، که اهالی آنرا مهاجران روستایی تشکیل میدهند. از زمین‌های این منطقه ۴۰۰ قطعه آن تفکیک شده است. این ۴۰۰ قطعه زمین که فاقد سند رسمی‌اند، با پنجایک به فروش رسیده است. صاحبان این ۴۰۰ قطعه زمین به منظور ساختن منزلتگاههایی برای اسکان خود، احتیاج به وام بانکی دارند، اما به علت نداشتن سند رسمی نمیتوانند از وام بانکی استفاده کنند. برای دادن سند هم طبق قوانین باید امضای مالکین قبلی در زیر تقاضانامه باشد. مالکین قبلی زمینها که دو نفر هستند، به علت درگیری بین خود، از امضای تقاضا نامه خودداری میکنند و این امر باعث شده است که صاحبان فعلی آنها با تکلیف بمانند. صاحبان این زمینها برای گرفتن سند رسمی به دادگاه انقلاب مراجعه کرده‌اند، که تاکنون هیچ نتیجه‌ای نگرفته‌اند. بسر مقامات دادگاه شهر شیراز است که در جهت رفع خواستهای این زحمتکشان که بگفته امام‌خینی ستون فقرات انقلاب ما هستند، اقدامات عاجل به عمل آورند.

### کمبود امکانات پزشکی در مرودشت

اهالی شهرستان مرودشت از داشتن بیمارستان و امکانات بهداشتی در منطقه هشتند. این شهر که در ۵۰ کیلومتری شیراز قرار دارد، با توجه به تعداد جمعیت اهالی خود و ساکنان کثیر روستاهای اطراف، فاقد بیمارستان است، و بیمارستان شیروخورشید شهر نیز از امکانات «محدودی برخوردار است. از این لحاظ زحمتکشان این منطقه از نظر

### برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

تمام



# خواستهای کارگران کوره پزخانه های خوزستان

## کار دائم و رسمی تأمین بهداشت، بیمه و...

# اردوی کار و محرومیت



زنجیر کار بسته شده است... در این گرمای سوزان عطش احتیاج از نیروی قوی تر است!

دریک کیلومتری پل ساور، بین اهواز و اندیمشک، از زمین پوس دم کرده پیاده می شویم. راننده عرق پیشانی اش را پاک می کند. بعد از بسته شدن در، مینی بوس از جا کنده می شود. روبروی خود، انطرف جاده، ساختمان نسبتاً نو سازی را می بینیم، که بر سر در آن یک تابلو: **کافه محمد چنانی**

را معرفی می کند. پشت به کافه، از جاده دور می شویم. در سرتا سر منطقه، گله به گله، زمین کنده شده است و خاکها تل انبار. این منظره عمومی حوالی پل ساور تا روستای عبدالخان است. در پشت کپه های خاک و درون گودالها، گاه دودی به هوا خاسته می شود است، و زمانی کوره های خاموش، اما در حال انسانهای در حال کار از دیده پنهان نمی مانند. با اینکه هنوز هندساعتی به ظهر مانده است، آفتاب داغ آدم را کلافه میکند و جسم را میزند.

جاده خاکی را طی می کنیم و نزدیکتر می رویم. از زمین کوره های نزدیک، سه کوره را انتخاب می کنیم و حرکتمان را به آن طرف ادامه می دهیم. به یکی از کوره ها می رسیم. زنجیر کار بسته شده است. کارگران خستگی تمام را دست بدست می دهند. خستگی را می گیرند و می دهند، نه یکبار ندهد بار... این حرکت یکنواخت و سریع در تمام طول کار ادامه دارد. بدنها خسته و عرق کرده است و جنمای بسته.

با حرکت دستها، گردن به جیب و راست میگردانند. خستگی را بدین به ریف بالا می آید. «ف بندها» (کسانی که خستگی را درون کوره می چینند) با مهارت خاصی آنها را روی هم می چینند، و جند کارگر دیگر روی خستگی را گل می گیرند.

پای هر کوره دهها کارگر در بدترین شرایط کار، در جنبه فقر و حرارت، با چهره های دردمند و قلوبی ما لامل از نفرت از ستم سالیان، فقر چون بختکی هسر دم فشار بر این فرزندان رنج و کار می فزاید. کارگرانی که بیشتر از روستاهای اطراف، بواسطه بیگاری و نداشتن زمین و هزارویک مشکل دیگر، به شهر آمده اند و از آنها اجباراً به کوره یزخانه ها رانده شده اند.

سلام می کنیم. جواب، توام با خستگی و پرسشی درنگنا است. منتظر می مانیم تا ساعت ۱۰ (وقت سبحانه) برسد. جای مهیسا

می کنند. کارگران دست از کار می کشند و همانجا کنار کوره بساط «چاشت» پهن می شود. جمع می شوند. هر یک می خواهد حرفش را بزند، گفتنی زیاد است، در دهان زیادتر، درد

میلیونها برادر دیگر: **درد فقر، کار طاقت فرسا و مزد کم، نداشتن کار دائم، ایمنی در محل کار، نبودن بهداشت و بیمه و...**

شکوه می کنند که کسی به فکر آنها نیست و به آنها سری نمی زند. ضمن خوردن چای در مورد کوره ها توضیحاتی می شنویم.

این کوره ها، کوره دستنی نام دارند و ظرفیت هر یک از آنها ۲۵۰ هزار رخت است. برگردن هر کدام حدود ۷ روز طول میکشد. در این سه کوره حدود ۴۰ کارگر کار میکنند. سوخت کوره نفت سیاه است. **کارگران فطری هستند زمستانها و روزهای بارانی**

مجبورند در خانه بنشینند. روزی ۸۰ تومان

مزد میگیرند، مزد هفت بندها بیشتر است خست زنی کنتراتی کار می کنند هر ۱۰۰۰ عدد ۳۰ تومان خست زنی کاری طاقت

فرساست، که هر کسی به آن تن در نمی دهد. بیشتر خست زنی کارگران افغانی هستند، که پشت استعمار می نهند. محل زندگی آنها خانه های گلی کثرتاً کوره ها است. بعد از چندین خستگی، روی آنها را گل می مالند و کوره را آتش می کنند.

کار خست چینی دیگر تمام شده است و باید به دنبال کار به کوره های دیگر بروند و با کار فرما های دیگری سروکار دارند. از طرف دیگر، آجرهای آماده را چند کارگر دیگر، زکوره ها خارج می کنند و در کامیون می چینند. آجرها هر هزار عدد ۲۲۰ تومان از سر کوره خریداری می شوند و تا به فروش می رسند.

کارتر جوان اندوهگینی از شرکتی در انقلاب میگوید:

«راننده گردیده هستم. از اول اظهارات تا حالا بیکارم. مجبورم بیایم سر کوره ها کار کنم. قبلاً ماهی ۷۰۰۰ تومان می گرفتم. در شرکت کنستروکسیون بخش آب رسانی کار می کردم. در اعصاب و نظر هرات دست از کار کشیدم و رفتم به نظر هرات. بعد از انقلاب وقتی خواستم بروم سرکارم، مرا راه ندادند. گفتند تو خالگری، موقعی که ما به تو احتیاج داشتیم، دست از کار کشیدی. آخرین بخاطر مسلمانها دست از کار کشیدم، بخاطر انقلاب، به گفته امام بود. گناه که نکرده ام.»

راج به وضع محل سکونتش می برسیم میگوید:

«نه برق داریم، نه آب، شب تاریک است و روزگرم از مشکلات دیگری میگوید: «بچه ام و حتی زخم شناسنا م ندارند» می برسیم: خواستت از دولت چیست؟ میگوید:

«کار و حقوق کافی و مزایای قانونی.»

کارگر دیگری میگوید:

«من قبل از انقلاب کشاورز بودم برای نظار هرات به شهر می آمدم. در آن موقع کشاورزی ما از بین رفت. برادرم را به خواهرم و مادرم من اداره می کردم حدود ۳۵ هزار تومان ضرر دادم. مدتی را دارم. حالا چیزی در بساط ندارم مجبورم اینجا کار کنم. کشاورزی خیلی خوب است. ما از اداره کشاورزی دزفول ۹۰۰۰ تومان وام گرفتیم. کمی هم قرض کردیم. من هم عروسی کردم. الآن زمین برای کشاورزی میخواهم، باید کمک بکنند. کود و وسیله هم باید بدهند. گفته اند بیاید کاش بکنیم. نمی توانم کارم را اول کنم. یک

و باز نستی می بره اند.

پس از پیروزی انقلاب، گروهی از نشان ساختمان سندیکای خود را تشکیل دادند. اما بیشتر کارگران به علت عدم برخورداری از تشکل، از وجود سندیکا بی خبرند، خواستهای گروه مهاجر از روستا - که بطور فطری در شهرها کار می کنند - از دولت، زمین و آب برای کشاورزی در روستاست. گروه دوم خواهان ارزی ارزاق عمومی و کالاهای مصرفی و مسکن هستند.

با چند تن از آنها به گفتگو نشستیم، تا بهتر از وضع آنها مطلع شویم.

یک کارگر نقاش بنام حیدر میگوید:

«۶۱ سال دارم و هفتسر عائله هستیم. زمین من به اندازه ای است که اگر محصول خوب بدهد، فقط کفاف نان خالی را میدهد، و برای سایر مخارج زندگی، چون قند، چای، لباس باید چند ماه از خانواده دور باشم، تا بتوانم آن مخارج را تأمین کنم. از دولت میخواهم به زندگی بی سروامان کشاورزان سروسامانی بدهد.

او سپس اضافه کرد:

«از ما دیگر گذشته، ولی برای جوانان و بچه ها باید فکری بکنند. بچه ها از روستا فرار می کنند و روانه شهرها میشوند و دیگر به روستا بر نمی گردند.»

می پرسیم: سندیکا دارید؟

روز دست از کار ریکشم، گرسنه می مانم. تازه بعدش معلوم نیست زمین بماند بدهند. جوانی زحمتکش با عجله جلومی آید و میگوید:

«من هیچ چیز سلامتی امام خمینی را نمی خواهم»

می پرسیم: چرا؟

«برای اینکه امام خوب است»

باز می پرسیم: چرا خوب است؟ کمی تامل می کند و میگوید:

«خون یا ور مستضعفان است»

و ادامه میدهد:

«من ۸ ساعت کار دارم، ولی روزی ۸۰ تومان می گیرم. این پول به هیچ چیز زمان نمی رسد... ما باید دست سود داشته باشیم، عیدی داشته باشیم، کارمان دانشی باشد، بیمه باشیم، ساعت کار کنیم، تعطیلی داشته باشیم.»

کارگران با سابقه تر، بدخواست های طبقه تیان آسانی بیشتری دارند. از کارگر ۱۳ ساله بیسواد، که با بچای دیگران کار می کند، می پرسیم: خواستت چیست؟

مستأهل سکوت میکند، و دیگران به جای او سستند، از بیمه و کار دائم و ایمنی و بهداشت و... حرف می زنند

میگوید:

«نه برق داریم، نه آب، شب تاریک است و روزگرم از مشکلات دیگری میگوید:

«بچه ام و حتی زخم شناسنا م ندارند» می پرسیم: خواستت از دولت چیست؟ میگوید:

«کار و حقوق کافی و مزایای قانونی.»

کارگر دیگری میگوید:

«من قبل از انقلاب کشاورز بودم برای نظار هرات به شهر می آمدم. در آن موقع کشاورزی ما از بین رفت. برادرم را به خواهرم و مادرم من اداره می کردم حدود ۳۵ هزار تومان ضرر دادم. مدتی را دارم. حالا چیزی در بساط ندارم مجبورم اینجا کار کنم. کشاورزی خیلی خوب است. ما از اداره کشاورزی دزفول ۹۰۰۰ تومان وام گرفتیم. کمی هم قرض کردیم. من هم عروسی کردم. الآن زمین برای کشاورزی میخواهم، باید کمک بکنند. کود و وسیله هم باید بدهند. گفته اند بیاید کاش بکنیم. نمی توانم کارم را اول کنم. یک

و باز نستی می بره اند.

پس از پیروزی انقلاب، گروهی از نشان ساختمان سندیکای خود را تشکیل دادند. اما بیشتر کارگران به علت عدم برخورداری از تشکل، از وجود سندیکا بی خبرند، خواستهای گروه مهاجر از روستا - که بطور فطری در شهرها کار می کنند - از دولت، زمین و آب برای کشاورزی در روستاست. گروه دوم خواهان ارزی ارزاق عمومی و کالاهای مصرفی و مسکن هستند.

با چند تن از آنها به گفتگو نشستیم، تا بهتر از وضع آنها مطلع شویم.

یک کارگر نقاش بنام حیدر میگوید:

«۶۱ سال دارم و هفتسر عائله هستیم. زمین من به اندازه ای است که اگر محصول خوب بدهد، فقط کفاف نان خالی را میدهد، و برای سایر مخارج زندگی، چون قند، چای، لباس باید چند ماه از خانواده دور باشم، تا بتوانم آن مخارج را تأمین کنم. از دولت میخواهم به زندگی بی سروامان کشاورزان سروسامانی بدهد.

او سپس اضافه کرد:

«از ما دیگر گذشته، ولی برای جوانان و بچه ها باید فکری بکنند. بچه ها از روستا فرار می کنند و روانه شهرها میشوند و دیگر به روستا بر نمی گردند.»

می پرسیم: سندیکا دارید؟

کارگری که داخل کوره کار میکنند و پدر و مادر و سه بچه و همسرش را نان میدهد، میگوید:

«نمی دانم این ۸۰ تومان را پول آب بدهم یا برق، پول لباس بدهم یا آرد و روغن، یک کیسه آرد هم که ۲۵۰ تومان است.»

در این گرمای سوزان، بای این کوره ها، کودکان و نوجوانان فراوانی بچشم میخورند که اجباراً باین کار توان فرسا تن در داده اند. قبلاً کار کوره های خوزستان در مواقع گرم، از صبح زود شروع می شد و تا ۱۲ ظهر ادامه می داد. اما کارگران می گویند: از بعد از انقلاب اگر ساعت ۱۲ کار را تعطیل کنیم، نصف روز مزد می گیریم! دردها شباهت تام دارند:

«۱۴ ساله هستیم. سواد ندارم. ۵ خواهر و ۲ برادر دارم. فقط من کار می کنم. باید خرج پدرم را هم بدهم. اوسیراست و کار نمی کند.»

بیرمردی عرب، در حالیکه از در دبا با نا را اجتناب راه می رود، بطرف ما می آید. عربی صحبت می کند. برایمان ترجمه می کنند:

«۶ تا پسر دارم و سه تا دختر. تنها من کار می کنم - آنهم وقتی که هوا خوب باشد. شبها را هم کنار کوره می خوابم. من میخواهم بروم کشاورزی، اما کسی به من زمین نمی دهد. می گویند چون توقیلاً نسبی نداشته ای به توزمین تعلق نمی گیرد. باید به من زمین بدهند. بچه هایم با ید زمین داشته باشند، تا گندم بکاریم و زنده بمانیم. ما محرومیم ما فقیریم! وقت کار است. صاحب کوره می آید. کارگران آخرین حرفها یسان را میزنند: ما کار می کنیم و عرق می ریزیم. با آمریکا هم می چنگیم. عراق هم هیچ کاری نمی تواند بکند.»

یکی از کارگران دوا نگشتش را بعنوان بیروزی بالا می آورد

صاحب کوره ها از ناامنی می نالد.

میگوید:

«شبها به اینجا حمله می شود تا حالا ۴ نفر کشته شده اند. هر چه مراجعه می کنیم، کسی بداد ما نمی رسد. وقت رفتن است کارگران منقول کار میشوند. زنجیر کار دوباره بسته میشود. دستها به کار می افتد. گردنهای همه همراه دستها به جیب و راست می رود. خستگی جیده میشوند و جسمها بسته. کار و تکرار ادامه دارد»

ما خدا حافظ کرده ایم. گله به گله زمینهای اطراف کده شده است. در دور و نزدیک، ستونهای دود تیره رنگ به هوا بلند است.



امید کارگران: پیروزی در مبارزه علیه امپریالیسم و برای کسب استقلال

## تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

هیچ قانونی در کار نیست. بیمه هم نیست. صبح از ساعت هفت به قهوه خانه می آیم، بعد میروم توی پیاده رو و ساعتها منتظر می مانم.

از سندیکا پرسیدیم. گفت:

«سندیکا داریم، ولی دولت به امور سندیکایی کمک نمی کند. از این نظر هنوز خیلی مانده تا جا بیفتد.» کارگران نقاش از مسئولین امر می خواهند که قوانین کار در مورد آنها به مرحله عمل در آید. آنان هتگی از سرگردانی، از کار موقت و تصادفی، از عدم تأمین در یک کلام از زندگی موقتی خسته شده اند. بنابراین است با پیروزی انقلاب، آنان تولد دوباره ای یافته اند، ولی تا تأمین زندگی سعادت یار خود و خانواده شان، راهی دراز در پیش دارند. دولت انقلاب باید همه اقدار غیر متمرکز کارگران و از جمله نقاشان را در پناه اکید قانون قرار دهد و با حمایت از تشکل سندیکایی آنان، به تحقق این امر کمک کند.

میگوید: «پلی داریم، ولی در این قهوه خانه پیش از دوست نفر نقاش هست، که هیچکدام از آن خبر ندارند. ما بیمه نیستیم و قانون کاری که حافظ منافع ما باشد، وجود ندارد.»

از او پرسیدیم: «شب کجا می خوابید؟» در پاسخ گفت: «ما نه نفر هستیم که در یک اتاق ۳×۵ بخوابیم و هر شب نفری پنج تومان کرایه می پردازیم.»

حسین عربی، کارگر دیگر، میگوید:

«چهار سال دارم. مخارج زندگی چهارده نفر را تأمین میکنم. روزی صد و سی تومان مزد میگیرم، پس از پیروزی انقلاب، مدتها بیکار بودم. تعداد خانواده من ده نفر است و با چهار برادرزاده! روی برشته چهارده نفر هستیم. هشتصد تومان کرایه خانه میدهم. قبل از انقلاب صد و سی تومان می گرفتم و حالا هم با این «فرانسی سرسام آور صد و سی تومان میگیرم.»

امام خمینی میگوید: انقلاب، انقلاب محرومین است و پس باید بیشتر به طبقه محروم رسیدگی کنند و این کار وظیفه دولت انقلاب است.

علی محمد، کارگر نقاش گفت:

«بیست سال است که کارگر نقاش هستم. روزی صد و چهل تومان مزد میگیرم، ولی کار من دائمی نیست.

## اختیار کارگری

### کارگران نقاش را در پناه قانون قرار دهید

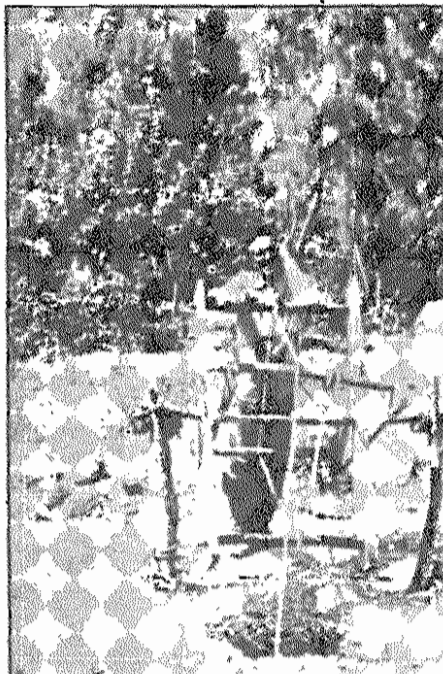
گروهی از کارگران نقاش ساختمان هر روز صبح در میادین و گذرگاههای تجمع کارگران بیکار، برای تأمین نیازهای زندگی و به امید یافتن کار، منتظر می نشینند.

وضع آنها نسبت به سالهای قبل از انقلاب فرقی نکرده است، بلکه به علت بیکاری بیش از حد کارگران، بدتر هم شده است.

این گروه کارگران بیشتر مهاجرین روستاهای آذربایجان و عده ای هم کارگران ثابت هستند، که در شهر زندگی میکنند. دستمزد آنها از هفتاد تا صد و پنجاه تومان و ساعت کار آنها از صبح تا غروب است. این گروه از خدمات رفاهی، مسکن، بیمه، حمایت قانونی کار

کادری به روستا

در کجوری هنوز مالکان بزرگ فرمان میدهند



در کجوری هنوز مالکان بزرگ فرمان می دهند

روستای کجوری در ۳۰ کیلومتری فسا (۱۲۰ کیلومتری شیراز) به فاصله ۳ کیلومتر از دورا هی فسا قرار دارد. جاده شیراز - نیریز این روستا را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می کند. این روستا در کوهپایه قرار دارد و در نتیجه اکثر خانه های این روستا از سنگ و چوب ساخته شده است. در این روستا ۱۲۵ خانوار زندگی می کنند.

از ۱۲۵ خانوار ساکن این روستا، ۴۱ خانوار در سال ۴۱ صاحب زمین شدند. یکی از روستائیان در این مورد می گوید: مجموع زمینهای که در سال ۴۱ به ۵ خانوار رسید، جو آبگوی نیازهای یک خانوار هم نیست. در نتیجه اکثر روستائیان زمینهای خود را رها کردند و فقط عده کمی زمینهای خود را نگه داشتند، و به یک زندگی بخور و نمیر ساختند. اکثر روستائیان این روستا را رعیت ها (سهم بر) و خوش نشینان تشکیل می دهند. ما تا به حال زمینهای مالکان بزرگ را تقسیم نکرده ایم. مالکان بزرگ عده ای چاق قدر دارند و به کمک آنها درگیری به وجود می آید. ما خواهان تقسیم زمینها از راه قانونی هستیم. در اطراف این روستا زمینهای زیادی وجود دارد. بخشی از زمینها در اختیار منابع طبیعی بود و بدون استفاده رها شده بود. روستائیان حق استفاده از زمینها را ندارند. بخش دیگری از زمینهای این روستا در اختیار مالکان بزرگ است. فشاری و رضای بی در اختیار داشتن ۵۰۰ هکتار زمین، بزرگترین مالکان این روستا هستند. قسمتی از زمینها دیمی و بقیه آبی هستند. مالکان بزرگ این روستا به خوبی از زمینها استفاده نمی کنند. آنها برای کشت زمینها حتی از آب چاههای موجود استفاده نمی توانند بکنند. زمینهای آبی را به صورت دیم می کارند. علاوه بر این، مالکان بزرگ هم زمینها را نمی کارند و از کاشت آنها نیز به وسیله دهقانان جلوگیری می کنند.

روستائیان برای مبارزه با مالکان بزرگ شورای خود را تشکیل داده اند. روستائیان برای جلوگیری از درگیری احتمالی، از تصرف زمینهای مالکان بزرگ خودداری کرده اند. روستائیان خواهان اجرائی هر چه سریعتر قانون اصلاحات ارضی هستند.

سهمیه مواد غذایی این روستا به هیچوجه جوابگوی نیاز روستائیان نیست. به یک خانوار ۷ یا ۸ نفری ماهانه کمتر از یک کیلو روغن می رسد. تایدو برنج نیز جای خود دارد. از نظر تهیه مواد غذایی روستائیان در مضیقه هستند. این روستا برق ندارد. با اینکه این روستا در کناره جاده اصلی بین دو شهر قرار دارد، ساکنان آن از داشتن برق محرومند. این روستا مسجد ندارد. در این روستا یک دبستان وجود دارد. که در آن تا کلاس پنجم تدریس می شود. جهادسازندگی برای رفع کمبود مواد غذایی آموزشی این روستا طرح ساختمانی یک

مدرسه راهنمایی را آغاز کرده است. اگر کار ساختمانی این مدرسه پایان پذیرد تا حدودی کمبود مکانات آموزشی این روستا برطرف خواهد شد.

این روستا در مانگاه ندارد. روستائیان بیمار می شوند مسافت ۲۰ کیلومتری فاصله این روستا تا شهر فسا را طی کنند و برای معالجه به فسا بروند. جها طرح لوله کشی آب این روستا را اجرا کرده است، ولی بخشی از خانه ها هنوز لوله کشی نشده است. ساکنان این خانه ها از نظر تهیه آب در مضیقه هستند. روستائیان بارها به جهاد شکایت کرده اند. مسئولین جهاد در جواب گفته اند که بودجه و امکانات جهاد کم است و در صورت برطرف شدن کمبودها، حتما در این مورد اقدام خواهند کرد.

در این روستا حمام وجود ندارد. روستائیان مجبورند برای دستشویی خود به فسا بروند. رفتن آمدن و بچه های روستائیان به فسا، با توجه به طولانی بودن مسیر، با مشکلات زیادی مواجه است. روستائیان از نظر حمام در مضیقه قرار دارند.

باید با آغاز کار رهت هفت نفری و واگذاری زمین ها، به حل مشکلات دیگر دهقانان پرداخت. باید با تشکیل تعاونی های مصرف، به کمبودهای مواد غذایی و نارسائی ها در امور زیربنای کالاهای مصرفی پایان داد.

رسیدگی به نیازهای دهقانان وظیفه مقامات مسئول است. به دهقانان نیازمندی را رسانید.

اخبار دهقانی

نیازهای حیاتی روستائیان بخش عمارلو خرگام

عمارلو خرگام یکی از بخشهای کوهستانی شهرستان رودبار زیتون (گیلان) است و بیش از ۴ روستا را در بر می گیرد. مرکز این بخش روستای برمه سرد است، که بیش از ۴۵۰ خانوار دارد. فاصله برمه سرد تا شهرستان رودبار ۶۰ کیلومتر است و دیگر روستاها به نسبت پراکنده ای ۴۵ تا ۹۰ کیلومتر از شهرستان رودبار زیتون فاصله دارند.

جاده های که این بخش را به شهر رودبار مرتبط می کند، بسیار خطرناک و دارای گردنه ها و پیچهای پر-مخاطره و بسیار باریک است. به علاوه به علت کوهستانی بودن منطقه، این جاده اغلب در زمستانها با ریزش برف مسدود می شود. همین امر و خرابی ساختمان جاده باعث شده که رانندگان این خطه، گرایه حمل و نقل را به میل خود تعیین کنند.

شغل اصلی روستائیان عمارلو خرگام کشت کدو، جو، غنم، باقلا است. گروه کوچکی هم بکار دامپروری اشتغال دارند و بخش دیگر اهالی در معدن ذغال سنگ لوشان سنگرود (رودبار) بکار مشغولند. کشاورزی در این روستاها با وسایل کهنه از قبیل (خیش) انجام می گیرد و محصول بدست آمده کفاف خرج سه ماهه دهقانان را برآورده نمی سازد، در حالیکه وسعت زمینهای کشاورزی در این منطقه بسیار زیاد است. علت آن است که بذر مناسب با خاک نیست و محصول بسیار کمی عاید کشاورزان می شود. حتی ساقه های کدو هم بیش از ۳۰ سانت بالاتر می رود.

روستائیان، صرف نظر از خوشه گندم، از ساقه آن غذایی برای دامهای خود تهیه می کنند. این زمینها بیشتر برای کشت آبی مناسب است، زیرا بسیاری از این روستاها دارای منابع آب سرشاری است. هم چنین موقعیت زمینها به نحوی قرار گرفته، که در صورت برنظم ریزی صحیح و کمک های لازم فنی از طرف دولت، محصول کشاورزان بیش از چندین برابر می شود و در نتیجه هم میزان تولید گندم داخلی بالا می رود و هم کشاورزان از فقر زندگی نجات خواهند یافت.

به علت کمبود سووم دفع آفات نباتی و کود شیمیایی، هر ساله بخش تعلیمی از محصول ناچیز آنها از بین می رود. در نتیجه این عوامل است که مردم در وضع بسیار اسفناگیزی زندگی میکنند.

در اکثر این روستاها منابع آب کافی وجود دارد، در حالیکه اکثریت عظیم روستاها فاقد لوله کشی آب هستند. از طرف دیگر به علت عدم رعایت بهداشت، آب مصرفی بسیار کیفیت است.

بیش از دوسوم این روستاها فاقد حمام هستند، و اگر روستائیان حمام دارند، آنها غیر بهداشتی است. به این دلیل مردم این روستاها از نظر بهداشتی در وضع بسیار بدی قرار دارند، که اکثرا کودکان روستائیان قربانی آن میشوند. بجز روستای برمه سرد، که در آن یک بهداشتی یا یک پزشک هدی وجود دارد، در دیگر روستاهای این منطقه، خبری از درمانگاه و مراکز پزشکی نیست. در صورتیکه بطور متوسط در هر یک از این روستاها ۱۳۰ خانوار زندگی میکنند.

روستائیان دی کانت و امسامزاده آب می خواهند

دی کانت و امامزاده در حدود ۸۰ کیلومتری شهرستان کازرون واقع شده اند. در این دور روستا پروری هم ۲۰۰ خانوار زندگی می کنند. زندگی مردم این دور روستا از طریق دامپروری و کشاورزی می گذرد.

در محل واحد بهداشتی وجود دارد، ولی متأسفانه به علت کمبود دارو، در مداوای بیماری روستائیان ناتوان است. مدتی پیش، به دنبال درخواست مکرر اهالی زحمتکش برای تهیه آب آشامیدنی، مسئولین از روستائیان خواسته بودند که اهالی با همیاری خود یک حلقه چاه بزنند و مسئولین هم در تهیه و نصب تلمبه به اهالی کمک کنند. روستائیان با صرفه جویی در مخارج زندگی خود قبیل مشکلات فراوان، یک حلقه چاه احداث کردند، به امید آنکه مقامات مسئول به وظیفه و وعده خود عمل می کنند. متأسفانه تا کنون هیچ گونه اقدامی در این زمینه و نصب تلمبه به عمل نیامده است. اهالی این دو روستا همچنان محرومند که برای تهیه آب، چندین کیلومتر پیمایه طی کنند و تازه آبی هم که بدست می آورند، از آب انبار است، که خود عامل بیماری است.

این روستائیان زحمتکش انتظار دارند هر چه زودتر به این خواست ابتدائی آنها توجه شود.

چه کسی به فزیادهای کشاورزان ده عباس پاسخ میدهد؟

در ۱۸ کیلومتری جاده ساوه، قریه ده عباس قرار دارد. در این روستا مقدار زیادی زمین وجود دارد، که متعلق به یک فئودال است. تعداد زیادی از کشاورزان این منطقه به خارج از محل میروند و روزمزدی و کارگری می کنند. زمین دار بزرگ و معروف ناحیه تعدادی چاه عمیق دارد که آب آن را به خارج از ده به قرار هر ساعت ۴۰۰ ریال می فروشد. ضمناً از ظرف کشاورزان تا بحال چندین بار رشکایت به عمل آمده است اما چون این شخص در داخل کمیته ها نفوذ دارد، هنوز که هنوز است به رشکایت کشاورزان رسیدگی نشده است. دولت انقلاب موظف است که در اجرای این قانون تمام مساعی خود را به کار برد.

بنابراین گفته امام خمینی، تمام ادارات و نهادهای انقلابی باید از عوامل و بستگان رژیم سابق پاکسازی شوند. بزرگ مالکان و مزدوران نیز از همان عوامل هستند. صبر کردن و دست روی دست گذاشتن تنها و تنها به سود ضد انقلاب است.

قسانون اصلاحات ارضی تصویب شده است. اما هنوز مالکان، دهقانان را به باد کتک می گیرند

دهقانان قریه لالکان برای بس گرفتن زمینهایی که توسط زمین داران بزرگ آن قریه و خرم (سرما به معدوم) صاحب بارک خرم و کارخانه قریه زبیا (غصب شده بود، قسمتی از زمین را گرفتند، که مزدوران زمین دار بزرگ، با قلمه و جوب و جماق به دهقانان حمله کردند. در این جریان انگشت یکی از دهقانان قطع شد و چند نفر مجروح شدند. اینگونه حوادث، با ر دیگر ضرورت اجرای اصلاحات ارضی و کوتاهی نمودن ایادی مالکان را از روستاها، که برای نگهداری منافع خودشان تن به هر کاری می دهند، گوشزد می کند.

دهقانان بیدارند - از مالکان بیزارند

روستائیان بخش سر بند اراک برای حمایت از اقدام انقلابی مجازات فئودالها و نیز حمایت از سپاه پاسداران، روز یکشنبه ۵ شهریور اعلام راهپیمائی کردند. در اعلامیه ای که بدین منظور پخش و منتشر گردید، آمده است: «بدینوسیله ما روستائیان بخش سر بند و بخصوص روستائیان زهرآباد، پشتیبانی یدریغ خود را از عمل انقلابی برادران سپاه پاسداران و کمیسیون ۷ نفری که به دستگیری و اعدام فئودالهای استان مرکزی، بخصوص خان بلوطی اقدام نموده، اعلام می داریم و از تمام روستائیان خواستاریم برای راهپیمائی و اعلام پشتیبانی از هیئت ۷ نفری و سپاه پاسداران بر ضد مالکان هر چه فروتر راس ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۵ شهریور در جلوی استانداری بسیج شوند.

روستائیان بخش سر بند اراک



از سوی اعضا و هواداران حزب توده ایران در مشهد، نمایشگاهی با نام «از کودتا تا کودتا» در نقاط مختلف این شهر، از جمله پارک ملت و خیابان دانشگاه برگزار شد. در این نمایشگاه جنایات امپریالیسم آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، «خسروان سال ۴۲»، دوران انقلاب و بالاخره حمله نظامی به طیس و معرض نمایش گذاشته شد. این نمایشگاه مورد استقبال گرم اقشار مختلف مردم قرار گرفته.

**دهقانان کم زمین و بی زمین!**  
باتشکیل کمیته های خود و با تکبیه به پاسداران متعهد و آفران دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرریا و بسود شما اجرا شود

### «سازمان وحدت آفریقا» را بشناسیم

«سازمان وحدت آفریقا» پس از کوشش‌های فراوان، در چهارم خرداد ۱۳۴۲ در آدیس آبابا، پایتخت اتیوپی، تاسیس شد. از آن هنگام، روز چهارم خرداد به عنوان «روز آزادی آفریقا» بزرگ داشته می‌نماید.

در کنفرانس اخیر وزیران خارجه سازمان وحدت آفریقا، «زیمبابوه» به عنوان پنجمین کشور، به عضویت سازمان درآمد.

بالاترین ارگان «سازمان وحدت آفریقا»، «کنفرانس سالانه سران کشورهای دولت کشورهای عضو است، که از هشت سال پیش تاکنون نمايندگان جنبش‌های آزادیبخش آفریقا نیز در آن شرکت میکنند. شورای وزیران «سازمان وحدت آفریقا» این کنفرانس‌های سالانه را تدارک می‌بیند.

«دبیرخانه عمومی»، که مقر آن در آدیس آبابا است، در فاصله بیست و پنج کیلومتری از «کنفرانس سران» فقط لیت‌های «سازمان وحدت آفریقا» را هماهنگ می‌کند. کمیسیون‌های گوناگون «سازمان» به مسائل ویژه، از جمله در زمینه اقتصاد و نظامی می‌پردازد.

سازمان ملل متحد، «سازمان وحدت آفریقا» را به عنوان سازمان منطقه‌ای آفریقا به رسمیت می‌شناسد. دبیرکل این سازمان از دو سال پیش، دم‌کوجواست. «مشورسازمان وحدت آفریقا» هدفهای سازمان را تحکیم وحدت و همبستگی کشورهای آفریقای بی‌هماهنگی و تقویت همکاری میان آنها، دفاع از حاکمیت کشورهای نامبرده و ریشه‌کنی همه اشکال استعمار و نژادپرستی تعیین می‌کند. در نظرات که در سالهای آینده در راه تشکیل یک «جامعه اقتصادی آفریقا» کوشش به عمل آید.

کشورهای عضو «سازمان وحدت آفریقا» سیاست تجار و زکاراته‌سرا تیسل را در خاورمیانه محکوم می‌کنند و رعایت آید اقدامات تحریم آمیز سازمان ملل متحد را در برابر آفریقای جنوبی خواستارند. «سازمان وحدت آفریقا»، «علیرغم تضادها و مسائل درونی آن، که از ساختارهای گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو سرچشمه می‌گیرد، در سال‌های گذشته به ویژه چشمگیری در صحنه سیاست بین‌المللی و سازمان ملل متحد مبدل شده است.

### چپ‌نماها در همه جا از یک سرچشمه آب می‌خورند و یک سیاست را دنبال میکنند - سیاست امپریالیسم

نیکو و شرانندانه طبقه کارگر، که بوسیله حزب کمونیست، طی فعالیت شصت و یکساله آن حفظ شده است، توجیه کنند.

گس‌هال دبیرکل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا در بیانیه خود خاطرنشان میکند:

«تردید نیست که برخی از این گروه‌ها بوسیله اداره مرکزی جاسوسی آمریکا، با هدف لطمه زدن ایجاد تفاهت در سازمانهای اتحادیه‌ای و اجتماعی ایجاد شده‌اند. به احتمال قوی میتوان گفت که بخشی از اعتبارات مالی این گروه‌ها از طرف پلیس تأمین می‌شود. پلی ما، اخیراً گزارشگران و مترجمان رادیو و تلویزیون به‌عنوان تلاش‌های زیادی بکار می‌برد، تا عناصر ادوایش وابسته به این گروه‌ها را مشخصه‌های سیاسی اعضای حزب کمونیست، معرفی کند. در بیانیه گفته میشود: «ما تأکید می‌کنیم که هرگونه استنادی به این عناصر، به‌عنوان «تصویر صحیح کمونیست ایالات متحده آمریکا» تحریف مزج و واقعیت است و از جانب حزب کمونیست مانند یک اتهام آشکار تلقی خواهد شد.»

### ژاپن هم پاکستان را مسلح میکند

وزیر خارجه ژاپن، در جریان دیدار خود از پاکستان، از چند پایگاه عملیاتی باند‌های افغانی دیدن کرد. وزیر خارجه ژاپن در جریان این دیدار اعلام کرد که ژاپن کماکان از «مبارزان افغان» حمایت خواهد کرد. وی اعلام کرد که ژاپن ۷۵ میلیون دلار به پاکستان کمک خواهد کرد. بیشتر این کمک به خرید سلاح برای پاکستان و باند‌های افغانی اختصاص می‌یابد.

### همکاری نظامی آمریکا و چین گسترش می‌یابد

همکاری‌های نظامی امپریالیسم آمریکا و مانوئیست‌های چین هرچه بیشتر گسترش می‌یابد و اکنون پکن در استراتژی جهانی آمریکا مقام مهمی احراز کرده است. دروازه‌کنندگان اعلام شده که ویلیام پری، کارشناس برجسته پناگون در زمینه سلاح‌های مدرن، اواخر ماه جاری بدوئت مقام‌های چینی از این کشور دیدن خواهد کرد.

پری اعلام کرد که در این سفر از لابراتوارهای الکترونیک و میدان‌های آزمایش سلاح‌های مختلف دیدن خواهد کرد. پری همچنین قابلیت و کارایی چینی‌ها را در «جذب» تکنولوژی مدرن آمریکا، از جمله تکنولوژی نظامی این کشور، مورد بررسی قرار میدهد. در ماه‌های اخیر مقام‌های برجسته آمریکا و چین ضمن دیدار از کشورهای یکدیگر، در زمینه همکاری‌های نظامی دو کشور مذاکرات مهمی انجام دادند.



### مستشاران آمریکائی عملیات ارتش مزدوران السالوادور را رهبری می‌کنند

کنگره قهرمانان ملخ با نام اعلام کرد که صداهای سازمان از نظامیان السالوادور در پیایگاه‌های آمریکا در منطقه کانسال با نام آموزش می‌بینند. این اقدام تنها قسمتی از حمایت نظامی آمریکا از ارتش السالوادور است. نظامی حاکم بر السالوادور است امپریالیسم آمریکا هم اکنون مدها «مستشار» نظامی در السالوادور دارد. این مستشاران رهبری عملیات ارتش مسزودور السالوادور را در سرکوب خلق مبارز این کشور بعهده دارند. از سوی دیگر آمریکا در سال جاری میلیونها دلار کمک نظامی در اختیار رژیم السالوادور قرار داده است.

### تجاوز نژادپرستان افریقای جنوبی به کشورهای همسایه همچنان ادامه دارد

وزیر دفاع آنگولا اعلام کرد که هواپیماهای نظامی آفریقای جنوبی یکی از شهرهای این کشور را با ریدرگرمبازان کرده‌اند.

وزیر دفاع آنگولا اضافه کرد که نژادپرستان از خاک نامیبیا، که بطور غیرقانونی اشغال کرده‌اند، بعنوان پایگاهی برای حمله به آنگولا استفاده می‌کنند. وزیر دفاع آنگولا گفت که باید برای دفع تجاوزات نژادپرستان اقداماتی لازم را حفظ کرد.

### آمریکا برای مداخله نظامی در نیکاراگوئه پی پنهانه می‌گردد

وزیر خارجه نیکاراگوئه اعلام کرد که آمریکا در صددرصد یافتن بیانه برای مداخله در امور داخلی این کشور است. وی گفت که آمریکا اکنون سروردا راه انداخته است که گویا نفوذ کوبا در نیکاراگوئه روبه افزایش است. وزیر خارجه نیکاراگوئه تأکید کرد که کوبا و دیگر کشورهای سوسیالیستی برابری کامل، احرام به حق حاکمیت کشورها و عدم مداخله در روابط با نیکاراگوئه کاملاً رعایت می‌کنند و این سرورداها بوجوبی اساس است.

وزیر خارجه نیکاراگوئه از سوی دیگر گفت که در سی‌سروگون‌سدن رژیم دیکتاتوری سومورا، بیشتر فتن‌های چشمگیری بویژه در زمینه مبارزه با بیسوادی بدست آمده و مهم‌ترین وظیفه دولت انقلابی بازسازی و بسپرد اقتصاد است.

### پاکستان با ارسال اسلحه و خرابکار به هند، به اختلافات فرقه‌ای در این کشور دامن می‌زند

به گزارش مطبوعات هند، گارد مرزی این کشور، در پی افزایش فعالیت تحریک آمیز رژیم دست‌نشانده پاکستان و بویژه ارسال اسلحه برای گروه‌های مسلحان‌نما در هند، تدابیر امنیتی را در مرز پاکستان افزایش داده است. رژیم پاکستان تلاش دارد که با کسب‌داشتن خرابکار و سلاح به هند، به اختلافات فرقه‌ای در این کشور دامن زند، تا توجه مردم پاکستان را از مشکلات توانفرسای داخلی منحرف سازد. از سوی دیگر مطبوعات هند اعلام کرده‌اند که خرابکاران بوسیله پاکستان، در پایگاه‌هایی که مخفیانه با کمک چین ایجاد شده، تربیت میشوند.

### کلیسای کاتولیک السالوادور از کارتر خواست که از مداخله در امور داخلی این کشور خودداری کند

رهبری کلیسای کاتولیک السالوادور بار دیگر از کارتر خواست که از مداخله در امور داخلی السالوادور و کمک به دارودسته نظامی این کشور در سرکوب مردم خودداری کند.

رهبری کلیسای السالوادور اعلام کرد که آمریکا مستقیماً در سرکوب مردم دست دارد و تنها در حقیقت سیمدتن از مردم بیگانه بر اثر عملیات نیروهای ارتش و دسته‌های تروریستی دست‌راستی، که از حمایت آمریکا برخوردارند، کشته شده‌اند.

از سوی دیگر نیروهای مبارز چپ در جنگ با مزدوران ارتشی پیروزی‌های تازه‌ای بدست آورده‌اند. نیروهای چپ با حمایت وسیع توده‌های محروم، در یکماه اخیر، ضربات قاطعی به مزدوران ارتشی وارد کرده و در یک درگیری هفت‌هلیکوپتر توبدار را سرنگون ساخته‌اند.

### در جهان سوسیالیسم

### ابتکارات جوانان و کودکان کوبا به افتخار کنگره حزب کمونیست آن کشور

در این روزها سازمان‌های توده‌ای جوانان و کودکان کوبا بر نامه‌های ویژه‌ای را، که در جریان تدارک دومین کنگره حزب کمونیست کوبا برای خودتعیین کرده‌اند، جامعه عمل می‌پوشانند. صدها هزار عضو فدراسیون جوانان کمونیست، فدراسیونهای دانشجویان و دانش‌آموزان سازمان پیشاهنگی «خوزه مارتی»، جده‌کارخانه‌ها و روستاها و جده‌کارخانه‌های تعطیلات، با بیای شرکت در کارزار سازندگی، به مطالعه و رهنمودهای گسترش اقتصادی-اجتماعی کوبا تا سال ۱۳۶۴ می‌پردازند و برای تکمیل مبین سوسیالیستی پیشین‌ها، ابتکار آمیزی ارائه میدارند. برای نمونه، بیش از هزار دانشجو دانشگاه هانسانا منتقل شدند که سرافراشته به برداشت محصول کمک کنند.

برنامه‌ها تدارک کنگره حزب سازمان‌های نامبرده، که در حدود چهار ماه دیگر در هانسانا برگزار خواهد شد، همچنین مطالعه آثار کلاسیک‌های مارکسیسم-لنینیسم را دربر میگیرد.

### در جهان سرمایه‌داری

### کمک بی‌دریغ کشورهای امپریالیستی به رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی

در روزهای گذشته، نژادپرستان آفریقای جنوبی با تشدید سرکوبگری داخلی و تجاوز خارجی، با ریدرگرم، علیرغم میل خود، بخشی از اخبار روتفیسیرهای رسانه‌های گروهی را بخود اختصاص داده‌اند. در این زمینه نیاید مسئولیت کشورهای امپریالیستی را ارباب بردگی، با نقض معیبات بین‌المللی و بخلاف برخی اظهارات «فدنزادی» خود نیز، با همکاری وسیع با نژادپرستان آفریقای جنوبی و کمک به آنها، اینبار هم سرست ربا کارانه خود را بشیوت رسانیده‌اند. بنوشته‌های خودسواگران «فاینتینال-تا ایمز» (۱۲۵۹):

بموجب آخرین گزارش‌ها، مسادرات بریتانیا نیاید کبیر به آفریقای جنوبی اینک رونقی یافته است که، با توجه به رونق اقتصاد آفریقای جنوبی، احتمالاً در سال آینده نیز ادامه خواهد یافت. در پنجم ماه نخست سال (میلادی) جاری، این مسادرات ۵۳۳ درصد افزایش یافت و به ۴۵۵ میلیون پوند استرلینگ رسید. محافل رسمی با زرکائی متعقدند که در مقایسه با رقم ۷۱۳/۵ میلیون پوند استرلینگ ۱۹۷۹ - بیکره نامبرده میتوان در سال ۱۹۸۰ به یک میلیار پوند استرلینگ رسید. با زار آفریقای جنوبی، علیرغم حساسیت سیاسی خود، و بویژه بخاطر اینکه رشد چشمگیر در دوران رکود جهانی، از جاذبه‌ای فزاینده برخوردار است.

بگزارش مقامات آفریقای جنوبی، و ردا آن کشور زبریتانیا کبیر در سال ۱۹۷۹، ۲۰ درصد افزایش یافت و به ۶۹۰ میلیون پوند رسید (این رقم مسادرات سمن‌مای طلا، نفت و اقلام نظامی را دربر نمی‌گیرد). تنها، ایالات متحده آمریکا سوانست با افزایش ۲۵ درصدی مسادراتش به مبلغ ۶۸۵ میلیون پوند، از بریتانیا برتری گیرد.

سدن ترتیب، این دو کشور با فاصله زیاد، از ضایعات و رداات آفریقای جنوبی را به مقدار ۱۲ درصد، تا مین کرده‌اند. آلمان غربی با ۷۲۳ میلیون پوند استرلینگ مهم‌ترین مسادرتنده کالاهای آفریقای جنوبی است، اما سهم آن از ۲۵/۴ به ۱۸/۷ درصد کاهش یافته است. حاشه مجموع مسادرات و واردات را در نظر بگیریم، مهم‌ترین شرکای بازرگانی آفریقای جنوبی، برترنیب عبارتند از: ایالات متحده آمریکا، آلمان غربی و بریتانیا کبیر.

### محافل اجتماعی هند دخالت پاکستان در افغانستان را محکوم میکنند

اجتماع بزرگ در دهلی‌نو، با شرکت محافل اجتماعی هند، بعنوان اعتراض به مداخله رژیم دست‌نشانده پاکستان در امور افغانستان تشکیل شد. سازمان‌دهندگان این اجتماع طرفداران خان عبدالغفار خان، رهبر پیشرو باوند، سخنرانان در این اجتماع اعلام کردند که ضیاع‌الحق دیکتاتور مزدور پاکستان، در مقابل حق و حساب، خاك پاکستان را برای عملیات تجاوزکارانه در اختیار آمریکا و چین قرار داده است. در این اجتماع خواسته شد که هر چه زودتر مزدوران افغان از پاکستان اخراج شوند و تأکید شد که ضیاع‌الحق بدستور از باب خود آمریکا به باسلاح مسئله افغانستان دامن میزند.

**اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلان و محترمانست**





روز ۱۹ مرداد ۱۳۵۹، حدود ۱۵۰۰ نفر از ضدانقلابیون فراری رژیم شاهنشاهی در لندن تظاهرات علنی داشتند. این عده از سراسر انگلستان و بعضی از کشورهای اروپائی آمده بودند. دو هزار پلیس انگلیسی از ضدانقلابیون محافظت میکردند. آری، پلیس انگلستان، که دانشجویان مبارز ایرانی را به «جرم» دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مضر و میسازد و بزندان می‌انگیزد، محافظ ضدانقلاب‌شاهنشاهی است!

بقیه از صفحه ۱  
فراری بر ملت ایران واضح و انکارناپذیر است و این بزرگترین جنایت آمریکا در ایران است.  
این امر آمریکا را مسئول و شریک جرم تمامی جنایات رژیم شاه در ایران می‌نماید. این جنایات و خیانت‌ها شامل کشتار دهها هزار تن مردم ایران از جمله کشتار بزرگ ۱۵ خرداد ۴۴ که حدود ۱۵ هزار نفر مردم بی‌دفاع و مظلوم را بکاف و خون‌کشید. زندانی و شکنجه کردن صدها هزار نفر از مردم ایران توسط ساواک که بدست سیاه آمریکا تربیت شده بود - تصویب کاپیتولاسیون - از بین بردن اقتصاد ایران و وابسته کردن آن به سرمایه‌داری خارجی - غارت منابع طبیعی ایران و بخصوص نفت - نابودی کشاورزی ایران - از بین بردن فرهنگ اصیل اسلامی - فاسد کردن نسل جوان و آلوده ساختن آنان به مواد مخدر - تبدیل ارتش ایران به یک ارتش وابسته به آمریکا و انجام نقش زاندارم در منطقه و شرکت در سرکوبی آزادیخواهان در ظفار و در اردن سپتامبر ۱۹۷۰ و یا لبنان در جنگهای داخلی بصورت حمایت از فیلانژیستها و مسوارد دیگر. مسئولیت و مشارکت آمریکا در جنایات متعدده و بی‌حساب شاه در طی ۳۷ سال حکومتش تنها به زمان آیزنهاور ختم نمیشود. در تمامی دوران سلطه استبداد شاه روسای جسم‌سور و مقامات رسمی آمریکا لفظه‌ای از حمایت و پشتیبانی از رژیم شاه و دخالت در امور ایران دریغ نکردند در این باره نیز کافی است بهین اسناد کنگره آمریکا و گزارشات مقامات رسمی رجوع کنید ببینید و بگذارید مردم آمریکا و دنیا هم ببینند و بدانند که دولت آقای کارتر تا آخرین روزهای رژیم شاه و تا آخرین مرحله و لحظه به دخالت در امور داخلی ایران و توطئه علیه ملت ایران مشغول بوده است.  
حضور آقای هویدر در ایران در آخرین روزهای قبل از پیروزی انقلاب و طرحهایی که اجرای آنها را در دستور کار خود قرار داده بودند. نشانه تلاش مستمر دولت آمریکا است. اسناد و مدارک داخل‌های ناروا و غیرقانونی مقامات رسمی آمریکائی در امور داخلی ایران در مدارک بدست آمده از سفارت آمریکا در ایران و همچنین از مرکز هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران همه نشان میدهند که آمریکا دائماً بدون وقفه در امور داخلی ایران دخالت میکرد است و هرگز لحظه‌ای را از توطئه علیه ملت ایران غافل نبود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دولت آمریکا که در برابر خشم خروشان انقلاب اسلامی ایران برپیری امام‌خینی با شکست غیرقابل اجتنابی روبرو شده بود، لااگریر به عقب‌نشینی شد و ظهرا ادعا کرد که انقلاب ایران و دولت جدید را برسمیت شناخته است. اما بررسی‌های اصالی که دولت آمریکا در طی همین مدت انجام داده است نشان میدهد که آمریکا نه تنها از اعمال گذشته خود نادم نیست و متنبه نشده است بلکه با تمام نیرو همان راه گذشته خود را دنبال میکند و با تمام قوا به دشمنی علیه ملت ایران برخاسته است دولت آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمامی تعهدات خود را زیر پا گذاشت و به پیمانهای واهی میلیاردی دلار اموال ایران در بانکهای آمریکائی را توقیف نمود.

کالاهای سفارشی را که تمام بهای آنها را قبل از انقلاب نقدا دریافت نموده بود حاضر به تحویل نگردید. مقامات دولت آمریکا حتی حاضر نشدند صورت حساب میلیاردی سپرده ایران را در حسابهای بانکی وابسته به دولت آمریکا به ایران بدهند. و میلیاردی دلار سرمایه ایران توسط ناصر ذبیح از مقامات رسمی آمریکائی حیف و میل گردیده است. ما تعجب میکنیم که چگونه و چرا نمایندگان کنگره باین حیثیه‌ها مرکز رسیدگی نکرده‌اند و نهی‌رسند که سرنوشته بیاورد. دلار سرمایه ایران در حسابهای بانکی وابسته به مقامات رسمی آمریکا چه شده است. علاوه بر اینها دولت آمریکا به عناصر جنایتکاری که در گوشه و کنار ایران علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه میکنند کمک مستقیم و غیرمستقیم نموده و می‌نماید. دولت آمریکا مستقیم و غیرمستقیم از طریق دولت پست عراق در حوادث کردستان و خوزستان و خلیج فارس و توطئه‌های مداوم علیه جمهوری اسلامی ایران دخالت و مشارکت دارد.  
دولت آمریکا عناصر ضدانقلاب را که سالهای سال عامل اجرای جنایات شاه و همچنین عوامل اجرای برنامه‌های سیاسی آمریکاداران بوده‌اند در آمریکا پناه است و علیرغم درخواست رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران از تحویل مجرمین نظیر سرتیب رژیم مسئول آتش‌سوزی سینما رگس آبادان خودداری نموده است و این خودداری آمریکا علیرغم توافقی است که در این زمینه بعمل آورده است. آقای سائروس ونس در ملاقات با وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در زمان شرکت در سی و چهارمین اجلاس سازمان ملل در نیویورک صریحا وعده داد که ترتیب انتقال و تحویل این مجرمین را به دولت ایران خواهد داد.  
انتیاع آمریکائی در تحویل مجرمین فراری و پناهنده به آمریکا منجمله شاه جانی حتی بر طبق قوانین

با این اهداف و آرمانها دولت آمریکا هرگز نمیتواند با ملت ایران و با هیچ ملت دیگری در دنیا روابط دوستانه و حسنه‌ای داشته باشد.  
منافع عظیمی که در دوران سلطه رژیم شاه می‌بردند بکلی قطع شده است و دیگر هرگز برای آنان وضع گذشته قابل تکرار نیست. اینان با تمام قوا علیه این انقلاب ایستاده‌اند و کارشکنی میکنند. آقایان چگونه میتوان از درک و تفاهم بهتر آرمانها و اهداف دو ملت سخن گفت در حالیکه محافل حاکمه آمریکا و تمامی رسانه‌های گروهی شما در یک توطئه دائم انقلاب اسلامی ایران را تحریف میکنند و اخبار دروغ جعل میکنند و بخورد مردم آمریکایی‌ها شما تکراری عمیق خود را در مورد انحصار روابط فیما بین و گسستن آن ابراز نمودید و آن را معلول گروگانگیری دانستاید. آقایان، شما بعنوان دولت آمریکا هرگز با ملت ایران روابطی نداشته‌اید و روابط شما در طی سی و چند سال گذشته کلا و عمدا با رژیم شاه بوده است. بله این رابطه گسسته شده است و دیگر وجود ندارد و دولت آمریکا حق دارد از قطع این روابط احساس تکراری نماید. این اشکی که برخی از محافل آمریکائی در مورد قطع این روابط میریزند در واقع اشکی است بر قطع منافع خودشان. چنان روابطی هرگز برای ملت ایران قابل نبوده است. و امام‌خینی فرمودند که «الهی این رابطه قطع شود» گسستن روابط میان دولت آمریکا با جمهوری اسلامی ایران نتیجه گروگان‌گیری نیست بلکه نتیجه اجتناب‌ناپذیر عملکرد دولت شما در ایران علیه مصالح و منافع ملت ایران می‌باشد. ما نگران گسستن آنگونه روابط نیستیم آنچه که شما باید نگران آن باشید ادامه سیاست تجاوزگراانه دولت آمریکا است. انحصار روابط فیما بین ملت ایران و دولت آمریکا به منزله قطع روابط میان دو ملت ایران و آمریکا نمی‌باشد. ما خواهان حسن روابط با تمامی ملت‌های جهان از جمله ملت آمریکا هستیم.  
ما همچنین از بحران جهانی که دولت آمریکا بعد از سقوط رژیم شاه با آن روبروست و به مراتب عظیم‌تر و عمیق‌تر از بحران آمریکا بعد از شکست در ویتنام می‌باشد آگاهی داریم ما همچنین از مشکلاتی که بحران روابط فیما بین برای دولت آمریکا در کشورهای اسلامی بوجود آورده است باخبریم اما حل همه اینها راتنها در دست و در اختیار دولت آمریکا میدانیم چگونه میتوان به تقلیل بحران خوشبین بود در حالیکه دولت آمریکا به توطئه‌های خود هنوزم ادامه میدهد. تمامی اخبار و شواهد حاکی از آن است که دولت آمریکا دخالت جدیدی را در ایران تدارک می‌یابد ما همین‌جا اعلام میکنیم که دولت آمریکا باید بداند که دخالت نظامی در ایران سراسر منطقه خاورمیانه و دنیای اسلام را با یک آفتاب عظیم روبرو خواهد کرد و ما مسئولیت عواقب هر نوع ماجراجویی‌های نظامی را مستقیما متوجه دولت آمریکا میدانیم. دولت آمریکا میتواند با قبول مسئولیت و مشارکت در عملکردهای رژیم شاه و خسارت‌های جانی و مالی و مادی وارد بر ملت ایران اولین قدم را برای تقلیل خطرات و مشکلات بحران کنونی بردارد.  
آقایان، شما میتوانید در این راه بطور مثبت قدم بردارید و علیرغم تمام گرفتاری‌های تان بررسی خسارت‌های ناشی از عملکردهای گذشته دولت آمریکا و مطالبات حقه ایران، بازگردانیدن اموال شاه و بستگانش را در دستور کار فوری خود قرار بدهید و برای آن سریع‌ترین و بالاترین اولویت‌ها را قائل شوید در این صورت است که راه برای حل بحران بازخواهد شد.»

### درگذشت یک کارگروه ادارجرب توده ایران رنگارنگ امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران چه باید کرد؟

در ساعت ۱۱ بامداد روز گذشته (چهارشنبه ۱۲ شهریور ۵۹) در محل دادگستری جمهوری اسلامی ایران، مصاحبه مطبوعاتی با حضور آیت‌الله دکتر بهشتی برگزار شد. در این مصاحبه مطبوعاتی خبرنگار نامه «مردم» نیز حضور داشت.

آیت‌الله دکتر بهشتی در نخستین از مصاحبه مطبوعاتی خود، در پاسخ سؤال خبرنگار ما که پرسید: در مقابل توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران چه باید کرد، اظهار داشت: «استفاده از همه امکانات برای تسلاش بیشتر در جهت ساختن جمهوری اسلامی، از نو، یعنی ساختن جامعه نوری که متناسب با جمهوری اسلامی باشد. و ازین- بردن موجبات فقر و رنج و درد و فساد اخلاق و ضعف عضویت در همه‌ایجاد و در همه مناطق، بخصوص منطقه‌هایی که بیشتر دچار محرومیت هستند، برای انجام و توان بیشتر داخلی، همچنین شناسایی دقیق خطوط عملی دشمن، برای خنثی کردن به موقع توطئه‌ها و مقابله بتوان با آنها در داخل».

**کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است**

م-م از شهر کرد ۱۵۰۰ ریال ک- از شهر کرد ۵۰۰ ریال کریم، از شهر کرد ۱۵۰۰ ریال رضا، آ. از شهر کرد (از قلاک) ۵۰۰ ریال مصطفی، آ. از شهر کرد (از قلاک) ۲۰۰ ریال  
علاقمندان، میتوانند کمک مالی خورا بحساب بانکی به نام آقای کهن، به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل سفلی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

### شاهپور فرج‌زاده، کارگر کارخانه ایران‌گاز و یکی از هواداران حزب توده ایران، جان خود را در راه نجات یک انسان از دست داد.



درگذشت او را به خانواده دوستان و همزمانش صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

شاهپور فرج‌زاده، کارگر کارخانه ایران‌گاز و یکی از هواداران حزب توده ایران، جان خود را در راه نجات یک انسان از دست داد. شاهپور فرج‌زاده، در سال ۱۳۳۶ در یک خانواده زحمتکش متولد شد. او در دوران انقلاب، فعالانه در مبارزات مردم شرکت جست و همراه دیگر دوستانش به پخش اعلامیه‌ها و نشریات حزب توده ایران در جنوب شهر و جوادیه کمک میکرد. چندی پیش، او از کارخانه مرخصی می‌گردد و برای تعطیلات به شمال می‌رود. وی در هنگام شنا متوجه غرق شدن یک نفر در دریا می‌شود و بی‌درنگ به کمک او می‌شتابد و او را نجات می‌دهد. ولی خود سلمه امواج دریای مرگ در غرق می‌شود.

### افتخار اخبار...

بقیه از صفحه ۱  
ایران دفاع مکتبم و بر کسی هم منتی نداریم.  
ما از همه کسانی که با مسئله حزب توده ایران سروکار دارند

**نامه مردم**  
از گان مرکزی حزب توده ایران  
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی  
خیابان آذر شماره ۶۸  
(دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)  
**NAMEH MARDOM**  
No. 325  
4 September 1980  
Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.